

نگارش همزه در عربی و فارسی

دکتر حسن عبدالهی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

(از ص ۱۰۱ تا ۱۱۰)

چکیده:

در میان حروف الفبای عربی، همزه تنها آوایی است که به چهار شکل مختلف نوشته می‌شود: ؤ، ؤ، ؤ، ؤ. این اشکال چهارگانه همزه، باعث شده که نویسندگان، به‌ویژه کسانی که به هر دو زبان عربی و فارسی می‌نویسند در هنگام نوشتن برای انتخاب شکل صحیح آن با مشکلات جدی روبه‌رو شوند.

این مقاله به منظور دستیابی به اهداف زیر نگارش یافته است:

۱- معرفی رسم‌الخط صحیح همزه در عربی و فارسی با استناد به کتاب‌های معتبر صرف و نحو و قواعد املائی عربی و فارسی و نیز با تکیه بر شیوه رایج نگارش آن توسط ادیبان و نویسندگان توانا؛

۲- تدوین و تنظیم قواعد همزه به گونه‌ای که در عین جامع و کامل بودن فراگیری آن نیز آسان باشد؛

۳- تبیین موارد اشتراک و اختلاف نگارش همزه در عربی و فارسی برای کسانی که به هر دو زبان می‌نویسند.

واژه‌های کلیدی: رسم‌الخط، همزه، نگارش، عربی، فارسی.

مقدمه:

همزه، تنها آوایی است که به چهار شکل نوشته می‌شود: ء، ا، و، ئ. بنابراین نویسنده، هنگام نوشتن، در انتخاب شکل صحیح آن با مشکلاتی جدی روبه‌رو است؛ چرا که لازمه کاربرد صحیح همزه، فراگیری قواعد پیچیده‌ای است که حتی در مواردی نویسندگان زبردست و باتجربه را حیران و سرگردان کرده است. استاد محمد بهجة الاثری در این باره می‌گوید:

از قرن‌ها پیش مردم، به چگونگی کتابت همزه توجه کرده‌اند و پاره‌ای از عمر خود را در اندیشه حرکت و سکون همزه و حرکات پیش و پس آن گذرانده‌اند تا دریابند که آیا باید همزه را بر یکی از کرسی‌های مناسب، یعنی «الف»، «واو» یا «یاء» بنشانند، یا این‌که، کرسی‌ها را از زیر آن بیرون کشیده، آن را در فضا بیفکنند تا در کنار دیگر حروف، متواضع و ذلیل، بر خاک نشینند؟

رسم الخط همزه را برحسب موقعیت آن در کلمه، به سه دسته تقسیم کرده‌اند؛ همچنین همزه وسط کلمه را نسبت به اینکه در وسط قرار گرفتن آن اصالت دارد یا عارضی است، تقسیم‌بندی نموده‌اند؛ در صورت اصالت، برای آن، شانزده شکل به حصر عقلی متصور است (حاصل ضرب حرکات سه گانه یعنی ضمه، فتحه و کسره و نیز سکون در حرکات سه گانه و سکون حرف ماقبل همزه) و به همین ترتیب اقسام فراوان دیگری که شرح آن آمده است.

بعد از استوار کردن همه این اصول می‌بینید که آنها در رسم الخط همزه در بعضی از کلمات، سخت با یکدیگر اختلاف ورزیده‌اند؛ مثلاً کلمه «مئة» را برخی به شکل «فئة» می‌نویسند: «مئة»، و بعضی دیگر آن را به صورت «مأة» می‌نویسند؛ گروهی دیگر، همزه را روی «یاء» می‌گذارند و آن را بعد از الف زاید قرار می‌دهند: «مائة»؛ آنگاه الف آن را در حالت مفرد و تثنیه و ترکیب می‌آورند و در حالت جمع، آن را ساقط می‌کنند؛ هر گروهی نیز برای شیوه کتابت خود دلیلی ذکر کرده‌اند. (ناصریمین، ص ۳۲۲)

بیان روشن این نویسنده، آن است که قواعد بسیار مفصل و پیچیده نگارش همزه و نیز وجود اختلاف‌های فراوانی که در این مورد بین کارشناسان فن وجود دارد، کتابت همزه را

برای هر نویسنده‌ای، دشوار کرده و همین موضوع باعث شده است برخی از صاحب‌نظران، برای آسان‌نویسی آن پیشنهادهایی ارائه کنند؛ مثلاً، بعضی پیشنهاد کرده‌اند که همزه در همه حال، به شکل الف نوشته شود. (همان، ص ۳۲۴) برخی دیگر برای همزه در حالت‌های چهارگانه ضم، فتح، کسر و سکون، حروف خاصی را وضع کرده‌اند. (همان، ص ۳۱۵) و گروهی به گونه‌ای دیگر؛ البته تاکنون به هیچ یک از این دیدگاه‌ها و پیشنهادها جامه عمل پوشانده نشده است.

مشکل نگارش همزه برای کسانی که به دو زبان فارسی و عربی می‌نویسند بیشتر است؛ زیرا هرچند نقاط مشترک فراوانی در کتابت همزه بین این دو زبان وجود دارد، اما هر یک از این دو زبان در این مورد، ویژگی‌های خاص خود را نیز داراست و همین موضوع موجب اشتباهات نویسندگان در نوشتن این حرف شده است، چرا که به اشتباه، قواعد مربوط به هر یک از دو زبان را در زبان دیگر به کار می‌گیرند.

این‌گونه مسائل، ما را بر آن داشت تا قواعد مربوط به کتابت همزه را به گونه‌ای تنظیم و بیان کنیم که در عین حال جامع و کامل بودن، فراگیری آن نیز آسان باشد، آن‌گاه با مقایسه شیوه نگارش همزه در زبان عربی و فارسی و بیان وجوه اشتراک و افتراق آن، مشکل کسانی را که در نوشتن با این دو زبان سروکار دارند، از بین ببریم.

نخست در این نوشتار، قواعد املائی همزه را در زبان عربی باز می‌گوییم؛ چراکه شکل همزه، در اصل، خاص زبان عربی است و از عربی، وارد فارسی شده است؛ سپس به شیوه نگارش آن در فارسی اشاره‌ای خواهیم داشت.

الف) رسم الخط همزه در زبان عربی:

پیش از ورود به اصل مطلب، یادآوری چند نکته لازم است:

- ۱- همزه گاه بدون کرسی و به تنهایی و بر سطر نوشته می‌شود (ء) و گاه همراه با حروف دیگر به کار گرفته می‌شود که در این صورت، کرسی آن ممکن است الف، واو و یا یاء باشد.
- ۲- از جهت سنگینی و سهولت تلفظ حرکات، قوی‌ترین حرکت، کسره است و بعد از آن، ضمه و سپس فتحه است، و سکون (هرچند در شمار حرکات نیست) در مرتبه پایانی قرار

دارد. (محمد مامو، ص ۴۵) البته، یای ساکن نیز همانند کسره است. (الشرتونی، ص ۱۰۶)

۳- حرف مناسب با فتحه، الف؛ مناسب با کسره، یاء؛ مناسب با ضمّه، واو و مناسب با سکون، همزه بدون کرسی است. (محمد مامو، ص ۴۵)

۴- حروف انفصال، حروفی هستند که اتصال آنها به حرف پس از خودشان ممکن نیست؛ این حروف عبارتند از: ر، ز، د، ذ، ا، و. اما بقیه حروف که اتصال آنها به حرف پس از خودشان ممکن است به حروف اتصال شهرت دارند.

اکنون یادآور می‌شویم که همزه در زبان عربی، در آغاز کلمه، در اثنای کلمه، در آخر و یا در شبه وسط به کار می‌رود.

- همزه آغازین کلمه:

همزه در آغاز کلمه، همیشه به صورت الف نوشته می‌شود، مانند *أَمْرٌ*، *إِغْلَمٌ*، *أَكْتُبُ*.

ملاحظات:

۱- همزه آغاز کلمه، هرگاه مفتوح و یا مضموم باشد، روی الف قرار می‌گیرد؛ مانند: *أَب* و *أُم* و اگر مکسور باشد زیر الف نوشته می‌شود؛ مانند: *إِعْلَانٌ*. ولی با این همه، برخی از نویسندگان حتی در حالت مکسور بودن همزه اول کلمه، آن را روی الف می‌نویسند؛ زیرا بر این باورند که الف، کرسی همزه است و صاحب کرسی، روی کرسی قرار می‌گیرد، نه زیر آن. (ناصریمین، ص ۱۵۰)

۲- هرگاه یکی از حروف باء، کاف، فاء، واو، سین، لام ابتداء، لام جازه، *أَلٌ* تعریف و یا هاء تنبیه بر همزه آغازین کلمه داخل شود همچنان همزه آغازین کلمه به شمار می‌آید و بر کرسی الف نوشته می‌شود؛ مانند: *بِأَحْمَدَ*، *كَأَسْرَهَ*، *فَأُمُّهَ*، *وَإِخْوَتُكَ*، *سَأَكْتُبُ*، *لَأَنْتَ*، *لِأُمِّي*، *الإِكْرَامِ* و هانأذا. از این قاعده، سه کلمه *لَيْنٌ*، *لَيْلًا* و *هُؤُلَاءِ* مستثنی هستند و با آنها همچون همزه وسط کلمه عمل می‌شود. (همان، ص ۱۵۰)

۳- هرگاه همزه استفهام بر همزه قطع اول کلمه داخل شود، دو وجه در آن جایز است:

الف- اثبات هر دو همزه: أَكْرَمْتَ زِيدًا؟، أَكْرَمْتُكَ؟، أَيْنَكَ ذَاهِبٌ؟ بنابراین وجه، همچنان جایز است که با همزه دوم، همچون همزه وسط کلمه برخورد شود، بدین صورت أَوْكْرَمْتُكَ؟ و أَيْنَكَ ذَاهِبٌ؟

ب - داخل کردن الف بین دو همزه و تبدیل همزه اول به حرف مد: أَكْرَمْتُكَ؟، أَكْرَمْتُكَ؟ و أَيْنَكَ ذَاهِبٌ؟ (الغلابینی، ج ۲، ص ۱۴۷؛ عبداللطیف، صص ۴۴-۴۶)

اما هرگاه همزه استفهام بر همزه وصل اول کلمه داخل شود، همزه وصل همان گونه که در لفظ حذف می شود، در کتابت هم حذف می شود؛ قرآن کریم می فرماید: «أَطَّلَعَ عَلَى الْغَيْبِ؟» (سوره مریم/ آیه ۷۸) یعنی؛ آیا بر غیب آگاهی یافته است؟ البته، این قاعده در همزه «أل» با آن که همزه وصل است، جاری نمی شود؛ چون در حذف آن اختلاف است. (الغلابینی، ج ۲، صص ۱۴۹-۱۴۷)

- نگارش همزه وسط کلمه:

همزه در وسط کلمه، به حرکت همزه و حرکت حرف پیش از آن وابسته است و همزه به صورت حرفی که مناسب با حرکت قوی تر است، نوشته می شود. (الشرتونی، ج ۲، ص ۱۰۶) مثلاً در کلمه «سؤال» کرسی همزه، واو است، زیرا حرکت پیش از آن ضمه و حرکت همزه فتحه می باشد و ضمه، قوی تر از فتحه است. در «سئل» کرسی همزه یاء است، چرا که حرکت همزه، کسره می باشد که از حرکت حرف پیش از آن، یعنی ضمه، قوی تر است. در «فته» کرسی همزه یاء است، زیرا حرکت همزه فتحه است و حرکت حرف پیش از آن، یعنی کسره، قوی تر از آن می باشد.

از این قاعده، چند مورد زیر مستثنی است:

۱- همزه مفتوح مسبوق به الف، بدون کرسی نوشته می شود: تَضَاءَلْ، تَفَاءَلْ و تَسَاءَلْ. (محمد مامو، ص ۱۵۳)

۲- هرگاه بعد از همزه مفتوحی که روی الف نوشته شده است الف قرار گیرد، الف حذف و همزه به حرف مد تبدیل می شود، مانند السَّامَةِ، القرآن، الملاّن: مگر در هنگامی که الف، ضمیر فاعلی باشد که در این صورت، آوردن هر دو الف نیز جایز است، مانند قَرَأَ و قَرَأَ، يَفْرَأَانِ و يَفْرَأَانِ، إِفْرَأَ و إِفْرَأَ. حتّی برخی از نویسندگان، در این مورد همزه را بدون کرسی

نوشته‌اند: قَرَاءٌ، يَقْرَأُنَ، وِاقْرَاءًا. (همان، ص ۱۵۴)

۳- هرگاه از نوشتن همزه وسط کلمه بر روی واو، اجتماع سه واو لازم آید، همزه بدون کرسی نوشته می‌شود، مانند مَوْءُودَةٌ، وُءُولٌ، مَقْرُوءُونَ وِيسُوءُونَ (الغلابی، ج ۲، ص ۱۴۷) و همچنین است هرگاه از قرار گرفتن آن بر روی الف، اجتماع سه الف لازم آید، مانند قراءات. (الشرتونی، ج ۴، ص ۴۳)

- همزه آخر کلمه:

هرگاه همزه در آخر کلمه واقع شود، مناسب با حرکت حرف پیش از آن نوشته می‌شود؛ مثلاً در کلمات «جَزْءٌ، سَوْءٌ، شَيْءٌ، وُضُوءٌ» همزه بدون کرسی نوشته می‌شود؛ چرا که حرف پیش از همزه در این کلمات ساکن است و نوشتن همزه بر سطر مناسب با سکون است و در کلمه‌های «يَبْدَأُ»، «قُرِئَ» و «جَرُّوا» به ترتیب همزه بر کرسی «ا»، «ی» و «و» نوشته می‌شود، چون حرف مناسب با فتحه، الف؛ مناسب با کسره، یاء و مناسب با ضمه، واو است. البته، در صورتی که حرف پیش از همزه، واو مشدّد مضموم باشد برای اجتناب از توالی سه واو، همزه بدون کرسی نوشته می‌شود، مانند تَبَّوءٌ. (عبدالطیف، صص ۴۶-۴۴)

هرگاه حرف آخر کلمه‌ای به جهت اجرای قواعد اعلال، حذف گردد و در نتیجه، همزه وسط، در آخر قرار گیرد، با این همزه، همچون همزه وسط کلمه و یا همانند همزه آخر کلمه عمل می‌شود؛ مثلاً فعل «يُنْأَى» در حالت جزم، به صورت «لَمْ يَنْأَ» و یا «لَمْ يَنْءَ» نوشته می‌شود و کتابت اسم فاعل از «أَنْأَى» به هر دو صورت «مُنْأَى» و «مُنْءَى» صحیح است. (ناصریمین، ص ۱۵۶)

- همزه شبه وسط:

همزه شبه وسط، همزه‌ای است در آخر کلمه که پس از آن، ضمیر متصل یا علامت مثنوی و جمع و یا علامت تانیث و یا الف تنوین قرار می‌گیرد.

اگر بعد از همزه آخر کلمه، ضمیر و یا علامت مثنوی و جمع قرار گیرد، در کتابت همزه، دو

وجه جایز است: می‌توان آن را همزه وسط کلمه به شمار آورد و همچنین همزه آخر کلمه؛ بنابراین کلمات «يَقْرُوهُ، يَقْرُوْنَ، يَبْدُوْنَ، جُزْأَيْنِ و بِنَاوُونَ» را می‌توان به صورت «يَقْرَأُ، يَقْرَأُونَ، جُزْءَيْنِ و يِنَاءُونَ» نیز نوشت. (عبداللطیف، ص ۵۷)

و چنانچه بعد از همزه آخر کلمه، علامت تأنیث قرار گیرد، با آن همچون همزه وسط کلمه عمل می‌شود، مانند نَشَأَ، مَرَأَ، هَيْئَةَ، حَطِيئَةَ، بَرِيئَةَ، مِتَّةً، فِتَّةً، مَرَزَتَةَ، مَلَأَى، ظَمَأَى، لَوْلَاؤَةَ؛ مگر اینکه پیش از همزه، الف یا واو ساکن باشد که در این هنگام، همچون همزه آخر با آن عمل می‌شود مانند قِرَاءَةَ، مُرُوءَةَ، سَوَّءَةَ، سَوَّءَى، سَوَّءَاءَ. و هرگاه بعد از همزه‌ای که در آخر کلمه بر سطر قرار گرفته، الف تنوین نصب واقع شود، در صورتی که حرف پیش از همزه، از حروف انفصال باشد همزه بدون کرسی نوشته می‌شود، مانند جُزْءِأً و سَوَّءِأً و اگر حرف پیش از همزه، از حروف اتصال باشد همزه بر کسی یاء نوشته می‌شود، مانند شَيْئِأً، عَيْئِأً و دَفْئِأً. (الغلايينی، ج ۲، ص ۱۵۹)

آنچه تا به اینجا گفته شد قواعد کلی و تقریباً مورد اتفاق مشهور علمای صرف و نحو است که شایسته است مورد توجه قرار گیرد؛ اما در این باب، بین علمای آن چند اختلاف وجود دارد؛ مثلاً برخی در کلماتی همچون «رُوُوفٌ، رُوُوسٌ و يَقْرُوُونَ» به علت قرار گرفتن واو ساکن بعد از همزه‌ای که روی واو نوشته شده و نیز به این علت که حرف پیش از همزه از حروف انفصال است دو وجه دیگر را نیز جایز می‌دانند: الف) همزه بر سطر نوشته شود: رَءُوفٌ، رَءُوسٌ و يَقْرَءُونَ؛ ب) واو بعد از همزه، حذف شود: رُوفٌ، رُوسٌ و يَقْرُونَ؛ اما در کلماتی از قبیل کُوسٌ، فُوسٌ، مَسْئُولٌ و يَمْلُؤُونَ که حرف پیش از همزه از حروف اتصال است، نوشتن همزه را بر کرسی یاء جایز می‌دانند: كُوسٌ، فُوسٌ، مَسْئُولٌ و يَمْلُؤُونَ. (عبداللطیف، ص ۵۷)

ب) نگارش همزه در فارسی و مقایسه آن با رسم الخط همزه در عربی:

همزه در کلمه‌های فارسی فقط در آغاز کلمه به کار می‌رود؛ اما در کلمات عربی که به فارسی راه یافته‌اند، همزه در آغاز، وسط و پایان کلمه می‌آید. (محتشمی، ص ۲۴)

همزه در آغاز کلمه‌های عربی (که وارد فارسی شده‌اند) به صورت «ا» نوشته می‌شود، بدون اینکه با علامت همزه (ء) و یا یکی از حرکات فتحه، ضمه و کسره همراه باشد، مانند اسم، اسلام،

اجتهاد؛ برخلاف همزهٔ اوّل کلمه در کلمه‌های عربی در متون عربی که همزهٔ اول کلمه به یک از سه شکل زیر نوشته می‌شود:

- همزه با حرکت: أَذْهَبُ، إِعْلَمُ، أَكْتُبُ.

- همزه بدون حرکت: أَذْهَبُ، إِعْلَمُ، أَكْتُبُ.

- حرکت بدون همزه: أَذْهَبُ، إِعْلَمُ، أَكْتُبُ. (ناصیف، یمین، ص ۱۲۶)

در کلمات فارسی، همزهٔ میانی و پایانی وجود ندارد، به این علت، کلمه‌هایی مانند: «پائیز»، «پائین»، «آئینه»، «دانائی»، «نمائیم»، «فرمائید» درست نیستند و باید این واژه‌ها را به این صورت نوشت: «پاییز»، «پایین»، «آیین»، «آیید»، «دانایی»، «نماییم» و «فرمایی». (انزلی، ص ۱۱) اما در کلمات عربی که وارد فارسی شده‌اند، همزه در وسط و آخر کلمه می‌آید و طبعاً در این هنگام، کتابت همزه، تابع قواعد زبان عربی خواهد بود. ولی چون زبان فارسی با تلفظ همزه تناسبی ندارد، ایرانیان از آغاز نفوذ زبان عربی در فارسی کوشیده‌اند تا حد امکان در همزه‌های زبان عربی تخفیف و تغییری دهند و آن را با تلفظ فارسی منطبق گردانند. (افشار، ص ۹۱) اکنون فقط به تغییراتی که فارسی‌زبانان در همزه‌های میانی و پایانی پدید آورده‌اند، بسنده می‌کنیم:

۱- بیشتر نویسندگان پارسی زبان، همزه را از آخر کلماتی که پیش از آن الف است، حذف می‌کنند؛ بنابراین، کلمه‌های: ابتداء، قرآء، املاء، انشاء، امضاء، احیاء، اجراء، وزراء، خلفاء، علماء، دعاء، باء، تاء و ثاء را به صورت: ابتدا، قرأ، املا، انشا، امضا، احیا، اجرا، وزرا، خلفا، علما، دعا، با، تا و ثا می‌نویسند. (نیازی، ص ۱۲۰؛ افشار، ص ۹۲) البته فقط چند کلمه مانند ماء و بهاء (به معنی روشنی) از این قاعده مستثنی هستند. (نیازی، ص ۱۲۱) «همهٔ این کلمه‌های عربی مختوم به الف ممدود که در متن فارسی بدون همزه نوشته می‌شود، در حال اضافه، تابع قاعدهٔ کلی املائی کلمه‌های فارسی می‌باشند و به جای آنکه همزهٔ مکسوری در آخر آنها نوشته شود «ی» اضافه می‌شود؛ یعنی، به جای املاء کلمه، امضاء شورا، امضاء مشتری... در خط فارسی به پیروی از تلفظ باید نوشت: املائی کلمه، امضای شورا، امضای مشتری...» (نیازی، ص ۱۲۱)

۲- در کلماتی همچون: قراءه، دناءه، براءه، اساءه و إراءه که همزه، میان الف و تاء زاید قرار گرفته است، در هنگام به کارگیری آنها در متون فارسی، همزه، روی کرسی یاء نوشته

می‌شود، به این صورت: قرائت، دنائت، برائت، اسائه و ارائه. (مشکور، ص ۱۶؛ افشار، ص ۲۲)

۳- همزه مکسور میانی که بعد از الف قرار گیرد، در صورتی که همزه آن، اصلی نباشد، اغلب به صورت «ی» تلفظ می‌شود، مانند: جایز، زایل، فواید، سایر، فضایل، قبایل و قصاید به جای جائز، زائل، فواید، سائر، فضائل، قبائل و قصائد. (فرشیدورد، ص ۱۱۱) اما اگر همزه آن، اصلی باشد - یعنی جزو ریشه کلمه باشد - به اصل خود باقی می‌ماند، مانند سائل و مسائل. (مشکور، ص ۱۶)

۴- در نوشته‌های کنونی فارسی‌زبانان، گرایش به کتابت همزه میانی بر کرسی یاء زیاد دیده می‌شود، گویا آنها عملاً به ساده‌نویسی همزه اقدام نموده‌اند: مانند کلمه‌های: مسأله، جرأت، شؤن، رؤوس، رؤوف و مرؤوس که به صورت مسئله، جرئت، شئون، رئوس و رئوف نوشته می‌شوند؛ حتی همزه را در برخی از کلمات فرنگی نیز به همین شکل می‌نویسند: زئوس، سئول، بمبئی و ایدئولوژی.

نتیجه:

هرچند انتخاب شکل صحیح همزه برای کسانی که به عربی یا فارسی و به ویژه برای کسانی که به هر دو زبان فارسی و عربی می‌نویسند، بسیار مشکل به نظر می‌رسد، ولی با به کارگیری اصول و قواعد منظم و منقح و مستند به منابع معتبر که در این مقاله مطرح شده است، این مشکل به آسانی مرتفع می‌گردد.

منابع:

- ۱- افشار، حسین عماد، شیوه نگارش فارسی در مطبوعات، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۲ ه.ش.
- ۲- انزلی، حسن، دستور زبان فارسی، انتشارات انزلی، ارومیه، ۱۳۶۸ ه.ش.
- ۳- الشرتونی، رشید، مبادی العربیه، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم، ۱۳۶۸ ه.ش.
- ۴- عبداللطیف، محمد الخطیب، اصول الاملاء، مکتبه دارالتراث، کویت، ۱۹۸۶ م.
- ۵- الغلابینی، شیخ مصطفی، جامع الدروس العربیه، انتشارات ناصر خسرو، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۸ ه.ق. / ۱۹۶۸ م.

- ۶- فرشیدورد، خسرو، عربی در فارسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- ۷- محتشمی، بهمن، دستور کامل زبان فارسی، انتشارات اشراقی، تهران، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- ۸- محمد مامو، الی الاملاء، دمشق، ۱۴۱۴ هـ.ق. / ۱۹۹۴ م.
- ۹- مشکور، محمدجواد، دستور نامه در صرف و نحو پارسی، مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- ۱۰- ناصیف یمین، المعجم المفصل فی الاملاء، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- ۱۱- نیساری، سلیم، دستور خط فارسی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ هـ.ش.

Archive of SID